

## تصمیمات دادگاهها

### رای دیوان کشور

در مورد اختلاف در صلاحیت میان دادگاه دارائی و دادگاه دادگستری

ماده (۵) اصلاحی قانون دعاوی مردم و دولت

۱۶۶۵ بتاريخ ۱۴/۷/۱۷۰۰ چنین رأی داده است :

[ چون دولت در دادگاه دیوان دارائی صریحاً مالکیت و واگذاری اعیان مورد نزاع را از طرف خود بمعترض نفی و انکار نموده بنا بر این موردی برای رسیدگی بمالک بودن دولت نیست و عقیده دادگاه دارائی صحیح و مرجع صالح رای رسیدگی بدعوی بطرحه بین متداعیین دادگاه بدایت عدلیه میباشد )

کسی باستناد قباله خریداری ملک خالصه از دولت بر درخواست ثبت رعایا نسبت باعیانی آن ملک ( بعنوان آنکه اعیانی مزبور نیز جزء مورد معامله بوده ) اعتراض کرده - دادگاه بدایت باستناد ماده (۵) قانون راجع بدعاری اشخاص و دولت قرار عدم صلاحیت داده دادگاه دارائی باستناد آنکه اعیانی ملک را که متصرفی رعایا بوده بخربدار فروخته و آنچه فروخته تصرف داده است دادگاه دادگستری را صالح دانسته است - دیوان کشور شعبه (۱) در حکم شماره

### رای دیوان کشور برابر ام

در مورد ثبت ملک باحق استفاده از آب دیگری در صورت ابهام عبارت ثبت

ماده ۲۴ قانون ثبت و ماده ۹۷ قانون مدنی

از آب ۰۰۰۰) که در ورقه مالکیت نوشته شده ابهام و اجمال دارد و معلوم نیست حد استفاده نسبت بمسند مزبور در روز یا هفته یا ماه چند ساعت بوده وارد نیست زیرا ابهام عبارت از جهت مذکور مذفاتی با استفاده مجنی بودن استفاده از آب از این عبارت ندارد و استنبط دادگاه مجانی و بدون عوض بودن استفاده را از عبارت مذکور مخالف با صریح سند نیست و مقدار استفاده از آب هم مورد دعوی و حکم نبوده تا مورد توجه دیوان تمیز نتواند واقع شود لذا حکم مورد شکایت بانفاق اراء میرم است )

کسی بهای حق شرب آب ملکی خود را از استفاده کننده آن در دادگاه بدایت مطالبه کرده و در نتیجه محکوم بیبختی شده در مرحله استینافی بعنوان آنکه سند مالکیت باقید حق استفاده از آب ملکی مدعی صادر شده و معلوم نیست که مدعی علیه در قباله استفاده ملزم پرداخت اجرت بوده باشد حکم بدی را تأیید کرده است - شعبه (۴) دیوان کشور در حکم شماره ۱۵۱۸ - ۱۷ - ۶ - ۱۷ چنین رأی داده است :

( اعتراض مسندعی تمیز بخلاصه اینکه جمله (با استفاده

### رای تمیزی دادگاه استیناف بر نقض

در مورد رای بعدم اثبات وقف باستناد عدم احراز تصرف بعنوان وقف

ماده ۶۱ و ۶۲ قانون مدنی

حکم بیبختی مدعی داده - دادگاه بدایت در رسیدگی باستناد آنکه [ اصل وقف نامه ارائه نشده و دلیل کافی برای اصالت

کسی بدعوی وقفیت ملکی بر درخواست کننده ثبت آن اعتراض کرده - محقق ثبت باستناد عدم ثبوت وقفیت

آبهم اقامه نشده و بر فرض اصالت وقف نامه (طبق شهادت شهود) دلیلی بر آنکه بتصرف وقف داده شده و مصرف وقف شده باشد موجود نیست و درخواست ثبت از طرف خود واقف ادعائی بر فرض صحت صدور وقف نامه حاکی از انصراف او از این نیت پیش از عمل بوقف است بنابراین نمیتوان ملک مورد دعوی را وقف شناخت (حکم بدوی را تأیید کرده است - دادگاه استیناف در حکم تمیزی خود شماره ۴۴ بتاریخ ۱۸-۴-۱۷ چنین رأی داده است :

( چون حکم ممیزعنه مستنی است بر عدم تأثیر وقف نامه با فرض احراز صحت و اصالت آن از جهت عدم اقامه دلیل بر عملی شدن وقف و امکان انصراف واقف از وقف بعد از تنظیم وقف نامه و قبل از عمل نمودن بوقف و نظر باینکه مبنای مزبور قانونی نیست چه آنکه ورقه وقف نامه با فرض صحت و اصالت حاکی است از وقوع عقد وقف و حصول

قبض و مشتمل است بر اقرار کتبی مالک و واقفه و متولیه که مدعی علیهای دعوی بوده و اقرار مزبور بر علیه مشارالیهها نافذ خواهد بود و بموجب ماده ۶۱ قانون مدنی بعد از وقوع وقف بنحو صحت و حصول قبض عقد مزبور لازم و قابل رجوع و انصراف نیست و حتی وقف نمیتواند از حیث موقوف علیه یا متولی در آن تغییری بدهد و بموجب ماده ۶۲ قانون مذکور در صورتی وقف بر مصالح عامه باشد قبض متولی برای حصول قبض قانونی و ماهیت وقف کافی است و بنابر این استدلال دادگاه بر معلوم نبودن عمل بوقف و امکان انصراف واقف از نیت وقف بواسطه تقاضای ثبتی که نموده بموجب مواد مرقومه موجه نیست و حکم ممیزعنه مخالف قانون صادر گردیده لذا حکم مزبور موافق شق دو از ماده سی صد و چهل اصول محاکمات آرمایش نقض می شود... )

رای دیوان کشور بر نقض

در مورد بیکه متهم بجعل از لحاظ آنکه الحاق با امضای خود مقیم بوده نه امضای دیگری تبرئه شده است  
ماده ۹۷ و ۳۰۶ قانون مجازات عمومی

کسی بانهم آنکه قرارداد خرید جنسی برای کمپانی کرده و ذیل آنرا نام کس دیگر الحاق و از آن کس بعنوان آنکه قرار داد را میان کمپانی و او بسته است جنس را دریافت و تحویل کمپانی داده و بهای آنرا بفتح خود تصاحب کرده تحت تعقیب واقع و دادگاه جنائی متهم را از نظر آنکه امضای کسی را الحاق نکرده بلکه امضای خود او ذیل کلمه الحاقی بوده در قسمت جعل او را تبرئه کرده است بر اثر تمیز خواستن مدعی العموم استیناف - شعبه (۲) دیوان کشور در حکم شماره ۱۵۹۱ بتاریخ ۹-۷-۱۷ چنین رأی داده است:

(اعتراض مدعی العموم استیناف دابر باینکه مجرد نبودن امضاء طرف در سند باعث این نمیشود که اضافه کردن نا-او از عموم ماده ۹۷ قانون مجازات خارج باشد ظاهراً وارد بنظر میرسد زیرا بر همین تقدیر هم اگر الحاقی واقع شود قبل اضرار بکسی باشد و عنوان تقلب احراز شود حکم جعل جای خواهد بود و دادگاه در این باب تحقیقات کافی نکرده و مجرد بودن امضاء متهم و نبودن امضاء طرف باعث عدم صدق عنوان جعل قرار داده بنا بر این حکم نقض می شود... )

رای تمیزی استیناف بر نقض

در مورد بیکه بتصدیق مأمور ابلاغ بیش از حدود صلاحیت او ترتیب اثر داده شده  
ماده ۳۵۰، ۲۷، ۳۵ قانون آ. م. اش

مطلبه میکنند دادگاه بعنوان آنکه مدعی علیه ذیل ورقه احضاریه

کسی در دادگاه صلح باستناد سند ذمی پولی از کسی

نوشته بدهکار نیستم وجه او را پرداخته ام و دلیلی بر پرداخت پول تقدیم نداشته او را بپرداخت خواسته (مدعی به) محکوم کرده و در مرحله استینافی تأیید شده - محکوم علیه تمیز خواسته دادگاه استیناف در حکم تمیزی شماره ۴ بتاريخ ۱۷۲۵ چنین رأی داده است :

( خلاصه اعتراضات مستدعی تمیز اینست که دادگاه استیناف باظهارات او دقت نکرده و ورقه مدرکیه مورد تکذیب او بوده و استناد دادگاه بورقه بیموقع بوده زیرا کلمه مدیون نیستم اولاً خط اینجانب نبوده و ثانیاً دلیل اشتغال ذمه اینجانب نمیباشد و شهودی بدادگاه معرفی شده و دادگاه شهود او را نپذیرفته است - چون جمله ای که

ذیل احضاریه نوشته شده و دادگاه صلح و بدایت آنرا حاکی از اعتراف مدعی علیه تشخیص و بالتذیجه حکم بر محکومیت او صادر کرده اند مورد تکذیب واقع شده و دادگاه بعنوان اینکه جمله مزبوره بتصدیق مأمور ابلاغ رسیده عنوان تکذیب را قابل ترتیب اثر ندانسته در صورتیکه تصدیق مأمور ابلاغ تا حدود صلاحیت مشارالیه در کیفیت ابلاغ اوراق معتبر است و تصدیق زاید بر این مطلب از صلاحیت او خارج است بنابراین نمیتوان چنین موردی را از موارد اسناد رسمی فرض نمود و حکم تمیز عنه از این حیث مخدوش و نقض و قرار رسیدگی صادر میگردد )

### رأی تمیزی دادگاه استیناف بر ابرام

در مورد مطالبه بده کسی از معرف آن کس بعنوان ضامن

ماده ۶۸۴ و ۶۹۸ قانون مدنی

کسی بعنوان آنکه بر حسب معرفی کسی باین مضمون (که آنچه اجناس خریدار بخواهد باو بدهد و بهای آنرا با او (معرف) محسوب دارد بر معرف بعنوان ضمانت اقامه دعوی کرده و بهای اجناسی که شخص معرفی شده برده و وجه آنرا نداده مطالبه کرده است دادگاه صاحب از لحاظ اینکه حین تحریر نوشته (که سبب ضمان بوده) دینی وجود نداشته تا ذمه مدیون بری شده و ذمه ضامن مشغول

شود و پس از حصول دین تقدیم ضمانتی بسته نشده - مدعی را محکوم به بطلان دعوی کرده و دادگاه بدایت استینافاً آنرا تأیید کرده و دادگاه استیناف در حکم تمیزی شماره ۳۸۳ بتاريخ ۱۷۲۶ از لحاظ اینکه اعتراض قابل توجه و تأثیر بر حکم نشده و در نظر دادگاه امر مخالف با آنچه از دلائل و اسناد استنباط شده مشهود نمیباشد حکم مورد تمیز را ابرام کرده است .

### رای تمیزی دادگاه استیناف بر ابرام

در مورد رد دادخواست اعتراض اداره اوقاف که خارج از مدت قانونی بوده

ماده (۵) قانون اوقاف و ماده ۱۶ قانون ثبت اسناد

چند نفر بر در خواست ثبت ملکیتی در موعد مقرر اعتراض کرده و در جریان رسیدگی اداره اوقاف نیز بعنوان ثالث در خارج از مدت قانونی وارد دعوی میشود - دادگاه صلح در خواست اداره اوقاف را رد میکند - دادگاه استیناف نیز آن را تأیید میکند -

دادگاه استیناف در حکم تمیزی خود شماره ۱۲ بتاريخ ۱۷۳۱ چنین رأی داده است :

( راجع بعرضحال تمیزی اداره اوقاف از قرار رد عرضحال صادر از دادگاه بدایت خلاصه اعتراض و کیل اداره اوقاف بقرار مستأنف عنه آنستکه اداره اوقاف بموجب

ماده ۵ قانون اوقاف وارد در دعوی شده و مفاد ماده مزبور آنستکه ما امیکه محاکمه بین اصحاب دعوی بدوی در جریان است عرضحال اوقاف قابل قبول است دادگاه بدایت که استینافاً رسیدگی بدعوی نموده بر خلاف دستور ماده مزبوره قرار رد عرضحال اداره اوقاف را بعلت انقضاء موعد ناپدید نموده اعتراض مزبور وارد نیست چه اینکه

مفاد ماده ۱۶ از قانون ثبت عموماً و بطور اطلاق اعتراض به ثبت را در مورد مقرر قابل قبول و جریان معرفی نموده و ماده ۵ قانون اوقاف بهیچوجه ناظر بمواد قانونی نیست و مخصوص ماده ۱۶ قانون ثبت نمیباشد و از مراجعه پیرونده اشکال دیگری بر حکم ممیز عنه بنظر نمی رسد با تعلق آراء مبرم است )

### رای تمیزی دادگاه استیناف بر نقض

در موردیکه رای داور از جهاتی غیر قانونی شناخته شده

#### ماده ۱ و ۱۸ قانون حکمیت

کسی باستنادرای داور بر کسی اقامه دعوی ومورد حکم داور را مطالبه کرده دادگاه صلح طبق رای داور حکم بمحکومیت مدعی علیه داده دادگاه بدایت که استینافاً رسیدگی کرده باستناد ماده (۱) و ۱۸ قانون حکمیت حکم بدوی را فسخ ومدعی را به بیحقی محکوم کرده است - دادگاه استیناف تمیزی در حکم شماره ۳۸۰ بتاریخ ۲۹/۱/۱۷ چنین رای داده است:

از حکم ممیز عنه مستفاد این است که حاکم بدایت در اتخاذ نظر بعدم نفوذ حکم حکم یکی عدم اشتمال قرارداد حکمیت با امضاء مدعی و دیگر موجه نبودن رای حکم را موجب فسخ دانسته واجمالاً بواسطه عدم امضاء مدعی حصول تراضی بحکمیت حکم را غیر مسلم تشخیص و بواسطه عدم استدلال حکم مشار الیه را غیر موجه تلقی

کرده که هر دو استدلال دادگاه مخدوش است زیرا اولاً در مورد قضیه ممکن بوده حاکم مزبور قرائن دیگر را در تحقق تراضی مورد رسیدگی قرار دهد که توجهی باین امر نشده وثانیاً در موجه بودن حکم حکم هم جزاین معنی که حکم مزبور مخالف با قوانین موجد حق نبوده و بدلائل غیر نافذ در نظر قانون منکی نباشد مواد دیگری از موجه بودن حکم حکم از مقررات قانون حکمیت استفاده نمیشود و در مانحن فیه در رای حکم موضوع بحث چیزی که دلالت بر مخالف بودن آن با قوانین مذکور و یا بر اثناء آن با مور غیر موجهه بنماید مشهود نیست علیهذا حکم ممیز عنه بعلت نقض تحقیقات و انکاء بامر غیر موجه عللیل و بموجب ماده ۳۴۰ و ۳۴۵ قانون آزمایش باتفاق آراء نقض میشود . . . .

### رای دادگاه استیناف تمیزی بر ابرام

در مورد پذیرفته شدن سفته در دست بده کار بجای رسید رسمی اقساطی

#### ماده ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ اصلاحی قانون ثبت اسناد

دو نفر بمدعی به جلوگیری از ورقه اجرائیه دفتر اسناد رسمی بر صاحب ورقه در دادگاه صلح اقامه دعوی کرده ومدرك خود را چند فقره سفته (فته طلب) اقساطی

متضمن طلب مدعی علیه از مدعی (بعنوان پرداخت اقساط و دریافت سفته ها) قرار داده مدعی علیه دو برابر آن سفته ها رسیده های (قبوض) رسمی اقساطی را که در دست

ممیز عنه با بعضی از مواد قانون مدنی و ثبت اسناد وارد نیست و اعتراضات دیگر مشار الیه عینی بر عدم کفایت دلایل مزبور بر بی اعتبار بودن قبوض نیز در واقع ایراد بر نظر و استنباط دادگاه ابتدائی و مربوط به ماهیت دعوی است که مورد رسیدگی تمیزی واقع نمیشود راجع بقید مسموع نبودن پرداخت وجه بدون قبض رسمی در ورقه نیز علاوه از اینکه چنین قیدی در ورقه مزبور مشاهده نمیشود بر فرض بودن آن مسلم است که مقصود این نبوده که اگر بدون قبض رسمی پرداخت وجه را در دست ندارد بدلائل دیگر او را اقرار طرف به اخذ وجه هم نباید رسیدگی نمود بلکه مقصود غیر قابل استماع بودن دعوی پرداخت در دوائر ثبت بوده و مانع از صدور ورقه لازم الاجرا نخواهد بود از این حیث نیز اعتراض مستدعی وارد نیست اورا قیقه مستدعی در مرحله تمیزی داده نیز مورد رسیدگی واقع نمیشود از حیث رعایت اصول و قوانین هم اشکال مؤثر موجب نقض بنظر نمیرسد لذا حکم ممیز عنه بموجب ماده ۳۳۹ اصول محاکمات ابرام میشود)

داشته دلیل عدم پرداخت اقساط دانسته است دادگاه صالح رای بعدم صحت دعوی مدعیان داد و دادگاه بدایت در رسیدگی استینافی حکم صلحیه را فسخ و حکم صحت دعوی و بی اثر بودن ورقه اجرائیه داده است - بر اثر تمیز خیراستن محکوم علیه دادگاه استیناف در حکم شماره ۱۸۵ بتاریخ ۱۲۰/۱۷ چنین رای داده است (دادگاه ابتدائی از ربط اوراق سفته با قبوض رسمی اقساطی و اینکه این اوراق بعد از وقوع معامله به مستدعی داده شده در بدو بوده است و فعلاً در بدست مستدعی علیهما مشاهده میشود تشخیص داده که وجوه سفته ها که در واقع وجوه همان قبوض اقساطی بوده به مستدعی تادیه شده و باین نحو قبض مزبور از اعتبار افتاده است در اینصورت دادگاه ابتدائی شهادت اشخاص را دلیل انجام تعهد و بی اعتبار بودن اسناد رسمی قرار نداده و از حیث تنظیم و صدور اسناد و قبوض مزبور در اعتبار آن تردید نموده است بنا بر آن قسمتی از اعتراضات مستدعی مبنی بر مخالفت حکم

### رای تمیزی دادگاه استیناف بر تقض

راجع باجاره مبیع شرطی از طرف فروشنده که احکام اجاره واقعی بر آن جاری نشده

ماده ۴۷۱ و ۴۹۶ قانون مدنی

آنکه معامله استقراضی است و مال الاجاره مقرر در ازاء منافع ثمن معامله بوده و فرض تلف عین مؤثر در مقام نیست حکم نامبرده تأیید شده محکوم علیه تمیز خواسته - دادگاه استیناف در حکم تمیزی شماره ۲۷۱ بتاریخ ۱۲۴/۱۷ چنین رای داده است:

«از این حیث بر حکم ممیز عنه اشکال متوجه است که حاکم بدایت عمده هستند در اصدار حکم ممیز عنه این امر را قرار داده که چون بنای اجاره موضوع بحث معامله شرطی خیاری بوده و باین ملاحظه معامله اجاره که در زمینه معامله خیاری انعقاد یافته اجاره حقیقی نبوده و بلکه مال الاجاره در واقع همان نفع وجه ثمن و باینجهت

کسی خواسته ابطال ورقه اجرائی دایر بر پرداخت مال الاجاره باستناد و اظهار نامه و اینکه رقبات مستأجره از طرف شهرداری خراب و تلف شده و بعداً مدعی از مال خود در ملک مورد اجاره رقباتی احداث کرده و باین مناسبت موجد مستحق مطالبه اجاره نیست بر موجد اقامه دعوی کرده دادگاه صالح از لحاظ اینکه تلف قانونی در اینجا ثابت نیست و مطابق سند بیع شرطی که میان طرفین در مورد مستأجره مبادله شده ترمیم خرابی بعهده مستأجر مقرر گردیده و مراد از اجاره در معاملات شرطی اجاره واقعی نبوده بلکه منظور منافع ثمن است مدعی را محکوم به بیجقی کرده - و در مرحله استینافی باستناد



بدهد علیهذا عدم توجه حاکم مزبور باینکه موافق اظهار خود و کیل مستدعی علیه دکان نیم باب که یکی از رقبات بوده بکلی از طرف شهر داری خراب و از بین رفته و باینکه بدلائل تخریب اعیان دیگر رسیدگی و تحقیق کامل بنماید بمرور و مستند حکم متکی بامر غیر موجه و بموجب ماده ۳۴۰ قانون آزمایش حکم ممیز عنه بانفاق آراء نقض میشود (۰۰۰)

من صحت دعوی خرابی رقبات مستاجر و عدم امکان استیفاء منافع برای مستاجر تأثیری در اشتغال ذمه مستاجر ادبیه مال الاجاره نخواهد داشت که این نظریه متکی به چگونگی مستند قانونی نبوده و شرطی بودن معامله عین قبایع موجب این نخواهد بود که مال الاجاره در مقابل منافع اعیان منظور نشده و مستاجر بدون لحظه باستیفاء منافع بلاعوض بموثر و جوهی در تحت عنوان مال الاجاره

### رای دادگاه استیناف

در مورد محکومیت متهم به بیرون فرستادن ارز از کشور

ماده (۱) (۷) (۹) قانون معاملات ارز

نداشته آنرا بکسی برای نفقه خانواده اش داده که خرج کنند وضع قوتن اسعار برای طبقه تجار است که هر اسعاری را در مقابل اجناس ایرانی در خارجه و یا در خود ایران بدست آورند بایستی بدولت بدهند بعلاوه بر فرض اینکه واگذاری بعنوان امانت بدیگری هم جرم شناخته شود مرتکب قاچاق شخص مستنف نیست و او معارض محسوب خواهد شد هیچیک از اعتراضات مذکوره در فوق وارد نیست زیرا واگذاری لفظی است عام و مطلق شرط تحقق آن نقل و انتقال برای استفاده نیست و بر فرض اینکه کسی اسعاری را بعنوان امانت بدیگری بدهد واگذاری است بمعنی استفاده از این قانون و تخلف محسوب است که بالنتیجه دان اسعار بدیگری تحت هر عنوانی باشد جرم بمنظور این قانون تلقی میشود و بر حسب حکایت بیرونده و اعتراف صریح متهم خود او دارند اسعار بوده و اگر بنا باظهار او بدیگری هم سپرده باشد مرتکب اصلی شخص او خواهد بود و شخص دیگر پیش از آلت و وسیله انجام مقصود او نیست [

کسی باتهم تخلف از ماده (۱) و (۷) قانون معاملات ارز مورد تعقیب و در دادگاه جنحه طبق ماده (۹) قانون نامبرده محکوم شده و در مرحله استینافی غیباً تأیید و بر اثر اعتراض محکوم علیه دادگاه نامبرده بدین استدلال حکم غیابی را تنفیذ کرده است:

(خلاصه اعتراضات مستنف بر حکم محکمه جنحه دایر بر محکومیت او باتهم تخلف از مقررات قانون راجع بمعاملات اسعار خارجی اسفند ماه ۳۱۴ این است که مطابق ماده ۱ قانون مزبور خرید و فروش و واگذاری هر نوع معامله دیگر مربوط باسعار خارجی و بیرون بردن اسعار از ایران ممنوع است و واگذاری بمعنای مصطاح و متعارف انتقال برای استفاده بدیگری است و در این مورد این معنی مصداق پیدا نخواهد کرد زیرا مستانف خرید و فروش و معامله نکرده است وقتی که وارد خاک ایران شده و وجهی برای اعاشه خود همراه آورده و پس از اینکه کاری برای زندگی خود بدست آورده چون احتیاجی باین وجه

## رأی دیوان کشور بر نقض

در مورد بکه دزدی در معبر بیابانی سرقت در شارع عمومی شناخته نشده باشد

ماده ۲۲۳ و ۲۲۴ قانون مجازات و ماده ۳۸۱ قانون اصول محاکمات جزائی

مدعی العموم استیناف در ضمن لایحه تمیزی اشمار کردید  
در پرونده کارهم دلایل و شواهدی بر تأیید این امر بنظر  
میرسد اکثریت هیئت دادگاه جنائی بدون اینکه توجهی  
بان دلایل نماید و در اطراف این موضوع بازجوئی های لازم  
بعمل آورده بوسایل ممکنه وضعیت و چگونگی محل را مورد  
دقت نظر قرار دهد اظهار عقیده بر جاده عمومی نبودن محل  
وقوع سرقت نموده و بدینجهت عمل ارتكابی متهمان  
را با ماده ۲۲۳ قانون مجازات تطبیق نموده بدون اینکه  
نظر خود را از اینجهت موجه و مستند بدلیل نماید و از این حیث  
باز جوئی دادگاه ناقص و حکم مورد درخواست تمیز برخلاف  
اصول کلی و در حقیقت مخالف روح ماده ۳۸۱ قانون  
اصول محاکمات جزائی صادر شده است بنا بر این حکم  
دادگاه جنائی بموجب ماده ۴۳۰ اصول نامبرده بلا در اثر  
درخواست تمیز مدعی العموم استیناف نقض میشود . . . . .

چند نفر بانها دزدی مسلح در معبر معروف بگذار...  
مورد تعقیب واقع و دادگاه جنائی مورد را دزدی مقرون  
با آزار تشخیص و محل را شارع ندانسته و آنها را محکوم  
بحبس با اعمال شاقه کرده است - دیوان کشور شعبه (۲)  
در حکم شماره ۱۶۸۸ - ۲۳-۷-۱۷ چنین رأی  
داده است :

(اعتراض مدعی العموم استیناف خلاصه آنکه  
(سرقت ارتكابی در جاده عمومی واقع شده و از این لحاظ  
جرم مزبور مشمول ماده ۲۲۴ قانون مجازات عمومی (معتبر  
در ساله وقوع جرم) محسوب و حکم دادگاه در تطبیق  
عمل با ماده ۲۲۳ آن قانون صحیح نبوده تا درجه وارد  
است چه باینکه دعوی مدعی العموم بدایت این بوده که  
سرقت در جاده عمومی واقع شده و بطوریکه از طرف